

از نگاه دیگر



جغرافیای انسانی مدینه منوره



دریادار ایوب صبر پاشا / علی اکبر مهدی پور

اشاره:

پژوهشگر توانمند عهد عثمانی، سرتیب ایوب صبری، متوفای ۱۳۰۸ هـ. (۱۸۶۰ م.) صاحب آثار ارزشمند فراوان.^۱ در کتاب ارزشمند «مرآت مدینه»^۲ گزارش بسیار جامع و مستندی از آداب و سنن مجاوران حرم نبوی به رشته تحریر در آورده، که چهارمین بخش آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

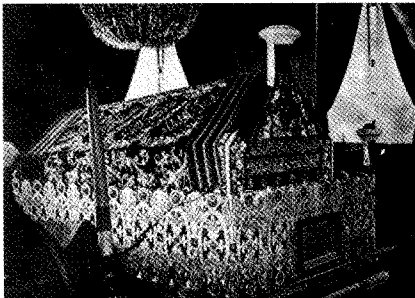
هر کودکی که در شهر مدینه منوره گام در عرصه زندگی می‌گذارد، در چهلمین روز تولدش او را شستشو داده، لباس نو برتنش می‌پوشانند و با عطر و گلاب معطرش می‌کنند و در حدّ توانِ خانواده، به زیورآلاتش می‌آرایند. خویش و تبارش گردآمده، همگی جامه‌های فاخر می‌پوشند و نوزاد را با

متبرّک شدن نوزادان به حرم مطهر
چرا شایسته تجلیل، تمجید و تکریم
نباشند مردمانی که در بدو تولدشان
قنடைه آنان به حرم مطهر پیامبر ﷺ برده
شده، زیر پرده و پوشش مقدّس مرقد
مطهر متبرّک گشته، مشمول عنایات و
الطاف بیکران حضرت ختمی مرتبت
قرار می‌گیرند.^۳

مدتی که زیر پرده و پوشش قبر مطهر هستند، در نهایت سکوت و آرامش به سر می‌برند و هرگز دیده نشده است که کودکی در آن مدت گریه و ناآرامی کند، اگرچه از ناآرامترین کودکان باشد.

هنگامی که کودکان را از زیر پرده قبر مطهر بیرون می‌آورند، چهره‌های آنها از نورانیتهای خاص برخوردار است و همانند کودکی که غذایی در دهان داشته باشد، دهانشان را حرکت می‌دهند.

سکوت محض کودکان، درخشش خاص چهره آنان و حرکت دهانشان در آن زمان، حیرت‌انگیز و اسرارآمیز است!



شکوه زایدالوصفی همراهی نموده، بعد از نماز مغرب به حرم مطهر نبی مکرم ﷺ می‌رسانند، آنگاه به یکی از خواجگانی که در نوبت خدمت و کشیک حرم مطهر است، تحویل می‌دهند و او کودک را به یکی از خادمان حجره شریف، که «نقیب حرم» یا «مستسلم حرم» نامیده می‌شوند، تسلیم می‌کند و او نیز با ادبی خاص، در حالی که زبانش به صلوات و سلام بر خاتم رسولان مترنم است، با جمله: «دستور یا رسول الله» اذن دخول طلبیده، نوزاد را در زیر پوشش زربفت مرقد مطهر قرار می‌دهد و چهره‌اش را با پوشش قبر شریف می‌پوشاند.

آنگاه، دیگر خادمان و خواجگان، حدود پنج دقیقه به تقدیم درود و تحیات و عرض سلام و صلوات بر اشرف کاینات می‌پردازند، سپس همان نقیب، یا مستسلم، با جمله: «دستور یا رسول الله» استیذان نموده، کودک را از زیر پوشش قبر مطهر بیرون می‌آورد و به دست مادرش می‌سپارد.

نقش حرم

جالب است که وقتی کودکان نوزاد در حریم حرم قرار می‌گیرند، در تمام

این حالت شگفت‌انگیز که بدون استثنا برای همهٔ کودکان پیش می‌آید، از کرامات، بلکه از معجزات حضرت ختمی مرتبت به شمار می‌آید و اهالی مدینه بر این باورند که در آن لحظه، شیرۀ خرما از سوی پیامبر ﷺ به کام این کودکان نهاده می‌شود.

یکی از علل برتری اهالی مدینه بر ساکنان دیگر بلاد مجاور، همین فیض شرفیابی و تبرّک جویی آنان از فیض‌های بیکران آن منبع فیض، در روزهای آغازین زندگی است.

از حرم تا حرم

زندگی اهالی مدینه در حریم حرم نبوی آغاز می‌شود و در حریم حرم محمدی ﷺ پایان می‌یابد. در نخستین روزهای زندگی، زیر پوشش حضرت رسالت پناه قرار می‌گیرند، یک عمر در کنف حمایت پیامبر رحمت زندگی می‌کنند، سرانجام در واپسین لحظات زندگی نیز، از حریم حرم و آستان ملک پاسبان آن شفیع انس و جان، به سوی جان‌جانان پر می‌کشند.

چنین سعادت بزرگی برای احدی جز مجاوران کوی دوست میسر نیست.

اهالی مدینه حق دارند که در غم هجران عزیزان در گذشتهٔ خود نوحه‌سرایی نکنند، زیرا از آنها شمیم رحمت و مغفرت حضرت احدیت، در پرتو شفاعت حضرت ختمی مرتبت استشمام می‌کنند.

اهالی مدینه به بیماران صعب‌العلاج خود به جای دارو و درمان، آب خوشگوار مدینه را می‌دهند، اگر خوب نشدند، آنها را به کنار مرقد مطهر نبوی مکرم برده، برای شفایشان، به ذیل عنایت پیامبر خدا توّسل می‌جویند. اگر بهبودی حاصل نشود، به فرارسیدن اجل و نزدیک شدن ارتحال او پی می‌برند. برای کفن و دفن و تجهیز او به عالم آخرت تدارک می‌بینند.^۴

مراسم تجهیز و تدفین

پس از درگذشت یکی از ساکنان هجرت‌سرای پیامبرگرامی ﷺ، مطابق شرع انور او را غسل داده، کفن کرده، برای جلب عنایت آن حضرت، او را از «باب الرّحمة» وارد روضهٔ مطهر می‌کنند و درپیش روی مبارک، طوری بر زمین می‌گذارند که سر متوفی به طرف ضریح مقدس نبوی قرار گیرد، آنگاه درحال

و حاضران با آنها مصافحه نموده، مراتب تسلیت و تعزیت خود را تقدیم می‌کنند. این سنت حسنه یادگارِ امام

ایستاده برای او شفاعت می‌طلبند و برای جلب نظر شفیع‌المدنیین، حضرت ختم‌المرسلین، مدتی به صلوات و سلام می‌پردازند.^۵

یکی از علل برتری اهالی مدینه بر ساکنان دیگر بلاد مجاور، فیض شرفیابی و تبرک جویی آنان از فیض‌های بیکران آن منبع فیض، در روزهای آغازین زندگی است.

حسین علیه السلام است. روز ارتحال امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که مراسم خاک‌سپاری سبط اکبر در بقیع به پایان رسید، برادر والاگهرش امام حسین علیه السلام در کنار در بقیع ایستاد و مراتب تسلیت و تعزیت مردم را پذیرا شد.

اجازه دفن

برای آگاهی یافتن از آمار دقیق افرادی که در طول یکسال، در مدینه منوره فوت می‌کنند، لازم است برای دفن افراد درگذشته، از محلی که در محکمه به این منظور در نظر گرفته شده، اجازه دفن بگیرند.

غسل دادن غسل به جنازه‌ای که اجازه دفن دریافت نکرده، به شدت ممنوع است.

همواره مراسم تشییع، در یکی از مواقع نماز برگزار می‌شود، ولذا در یکی از اوقات پنجگانه، جنازه را تا مسجد تشییع می‌کنند و وقت هرکدام از نمازها باشد، آن را با جماعت ادا می‌کنند و بر پیکر عزیز خود نماز میت گزارده، جنازه را از «باب جبرئیل» خارج می‌کنند، در حالی که همه تشییع‌کننده‌ها، کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بر زبان دارند، او را برای دفن به سوی قبرستان بقیع می‌برند.

اگر تعدادی جنازه برای نماز‌گرد آمده باشد، برای همه آنها یک نماز خوانده می‌شود.

مراسم تعزیت

پس از دفن میت، خویشاوندان او در کنار در بقیع می‌ایستند

قبرستان بقیع

بیشتر فرزندان، همسران، یاران و خویشان پیامبرگرامی ﷺ در همین مکان مقدس به خاک سپرده شده‌اند.

بنابر اصحّ روایات، ۷۰۰۰ تن از اصحاب پیامبر در این مکان مقدس مدفون می‌باشند.^{۱۰}

علاوه بر یاران، صدها هزار نفر از تابعان، صالحان، عالمان و سایر مؤمنان، در طول قرون و اعصار در قبرستان بقیع به خاک سپرده شده‌اند.

شیوهٔ دفن در بقیع

جنازه‌هایی که در بقیع به خاک سپرده می‌شوند، شیوهٔ خاک سپاری آنان به این صورت است که آنها را در لحدی به نام «قصیه» می‌گذارند، هر قصیه در جداگانه‌ای دارد، جنازه را در داخل آن قرار داده، در قصیه را می‌بندند.^{۱۱}

به طوری که اهل اطلاع به من گفتند، در هر قصیه را که برای دفن جنازه‌ای باز می‌کنند، از حکمت پروردگار هیچ نشانی از جنازهٔ قبلی در آن نبوده و هرگز بوی تعفن از آن شنیده نمی‌شود.

بر این اساس، مدفونین بقیع در باغی از باغهای بهشتی وارد می‌شوند.^{۱۲} چنانکه در حدیث شریف آمده و این

در مدینهٔ منوره، به جز بقیع، هیچ قبرستان دیگری وجود ندارد. افراد متوفی، هرکس و از هر خاندانی که باشد، باید مانند دیگران در قبرستان بقیع دفن شود. در اینجا میان غنی و فقیر مساوات کامل برقرار است.^۶

قبرستان بقیع بیرون سور مدینه، که توسط «جمال الدین اصفهانی»^۷ کشیده شده، در مقابل «باب الجمعه» قرار دارد. از این رهگذر، جنازه‌ها را از در جبرئیل خارج کرده، از باب الجمعه وارد قبرستان بقیع می‌کنند.^۸

اهالی مدینه به بیماران صعب‌العلاج خود به جای دارو و درمان، آب خوشگوار مدینه را می‌دهند، اگر خوب نشدند، آنها را به کنار مرقد مطهر نبی مکرم برده، برای شفایشان، به ذی‌بیل عنایت پیامبر خدا توسل می‌جویند.

دور تا دور قبرستان بقیع دیواری به ارتفاع سه متر کشیده شده که پنج در دارد و در داخل این محدوده، ۱۱ بقعه باگنبد و بارگاه وجود دارد.^۹ با توجه به قداست خاص این مکان،

گزارش آن را صد در صد تأیید می‌کند. در مدینه مرسوم نیست که جنازه را در داخل تابوت وارد قبر کنند، بلکه با همان کفن در قبر می‌گذارند و برای افراد خاصی اخیراً مرسوم شده که لحد درست می‌کنند و سقف آن را با خشت می‌چینند و روی آن را با خاک پر می‌کنند.

در حدیث شریف آمده است: هرکس در مدینه منوره وفات کند، پاداش شهید در راه خدا به او داده می‌شود.^{۱۳}

کوی محبوب

روزی در قبرستان بقیع قبری کنده می‌شد و پیامبر رحمت حضور داشت، یکی از یاران از بیرون آمده، نگاهی به درون قبر افکند و گفت: «هرکس در اینجا دفن شود چه جایگاه بدی خواهد داشت!» نبی گرامی ﷺ برای تصحیح اعتقاد او فرمود: «این گفته‌ای که بر زبان تو جاری شد، چه گفتار زشتی بود.»

او در مقام تصحیح سخن خود گفت: یا رسول‌الله منظور من این بود که اینجا مدفن کسی می‌شود که در بستر می‌میرد و از پاداش جهاد در راه خدا و شهادت در میدان نبرد محروم می‌شود.

پیامبر رحمت فرمود: «در روی زمین هیچ شهری همانند این شهر نیست. هرکس در این شهر وفات کند، مانند کسی است که در راه خدا به شهادت برسد، هیچ بقعه‌ای در عالم محبوب‌تر از بقعه‌ای نیست که مدفن من خواهد شد.» با این بیان، از قداست و شرافت جنة البقیع پرده برداشت.^{۱۴}

چه زیبا سروده:

جوار قرب احمد ده وفات ایت
 قلوب اول‌جایده کسب حیات ایت
 «در جوار قرب پیامبر ﷺ وفات کن،
 در آنجا اقامت‌گزین تا حیات جاوید یابی.»

مراسم گل باران قبور

زیارت اهل قبور در میان اهالی مدینه - در شبهای جمعه - سنتی کهن و شایسته‌ای بسیار رایج است. روزهای پنج‌شنبه، بعد از نماز عصر، اهالی مدینه، زن و مرد، خرد و کلان، به قصد زیارت اهل قبور به قبرستان بقیع می‌روند.^{۱۵}

از قدیم مرسوم شده که هریک از زائران قبور، یک دسته گل «فَسْلُکُنْ»^{۱۶} و یا هرگل، یا گیاه خوشبوی دیگری با خود

می‌برند و قبرهای معروف را گل باران می‌کنند.

آنها بر این باورند که بردن شاخه گل بر روی قبرها، از پیامبر رحمت به یادگار مانده، و لذا از ترک کردن آن بیم دارند.^{۱۷}

«نظم»

شو متوجّه به زمینِ بقیع
عرش برین بین مقام رفیع
هر طرفی نور دمد زان زمین
همچو نجوم از فلک چارمین
چونکه نهی بر در و دروازه گام
ورد زبان ساز صلاة و سلام
این همه چون انجم او آفتاب
پرده گل گشته به رویشان نقاب
زنده دلان بین که ز خود مرده‌اند
سر به گریبان عدم برده‌اند
گر بگشایند ز عارض نقاب
تیره نمایند مه و آفتاب
بر در و دروازه که زین را در است
مقبره عمه پیغمبر است
قبة عباس که خلد آشیان
قبة ای از نور به عالم عیان^{۱۸}

در گذشته زنان و مردان، هم‌زمان به زیارت اهل قبور می‌رفتند، ولی اکنون

ملغی شده، بانوان عصرهای پنجشنبه، بعد از نماز عصر و آقایان صبح‌های جمعه، بعد از نماز صبح به بقیع می‌روند و سنت زیارت را به جای می‌آورند.

نمایشنامه استقبال رمضان

اجرای نمایشنامه استقبال ماه مبارک رمضان توسط نوجوانان شهر پیامبر، دیدنی و شنیدنی است:

در میان جوانان و نوجوانان مدینه، در طول قرون و اعصار، مرسوم بوده که همه ساله در آخرین روز ماه شعبان، نمایشنامه جالبی اجرا می‌کردند.

همه کودکان و نوجوانان شهر در یکی از میادین بزرگ اجتماع نموده، از میان خود سه نفر زرنگ و زیاندار بر می‌گزیدند و آنها را به سه منصب بزرگ شهر: «قاضی»، «شیخ حرم» و «امیرالحاج» نصب می‌کردند.

آنگاه به صورت دسته جمعی به بیرون شهر رفته، در هوای صاف صحرا به استهلال می‌پرداختند، پس از رؤیت هلال، اقامه شهود و حکم قاضی، به سوی شهر باز می‌گشتند.

اهالی مدینه این مراسم را «شعبنه» یا «نمایشنامه استقبال نوجوانان از ماه

رمضان» می‌نامیدند، که در زمان ما ترک شده است.

مراسم افطار در حریم یار

تعداد زائرانی که در ماه مبارک رمضان از اقطار و اکناف جهان برای عتبه‌بوسی قبر حبیب به این شهر مقدس روی می‌آوردند، بیرون از شمار بود، از این رهگذر برای اهالی مدینه تهیه افطار برای زائران حرم نبوی از دیر زمان به صورت یک سیره سنیّه در آمده بود.

مردم نیم ساعت به افطار، از هر کوی و برزن، به سوی حرم مقدس، سرازیر می‌شدند. سقاها آبهایی را که از «عین الزرقا»^{۱۹} پرکرده، در مخزن‌ها خنک کرده بودند^{۲۰} به مسجد آورده، در ظرفهایی که به موازات صفهای نماز قرار داشت، می‌ریختند.

ابن فرحون می‌نویسد: یکی از سقاها که شیخ ابوالحسن محمد نام داشت،^{۲۱} پیش از فرا رسیدن وقت نماز، ظرفها را پرکرده، از باب الرحمه تا باب النساء، به موازات صفهای نماز می‌چید و برای اینکه ظرفها از دستبرد محفوظ باشد، آنها را با طنابی به یکدیگر محکم می‌بست. ولی نمی‌دانم که در مقابل این

خدمت چیزی دریافت می‌کرد یا فقط برای رضای خدا انجام می‌داد.

ابن فرحون سپس می‌افزاید: من نمی‌توانم آن منظره زیبا و روح افزارا، که در هنگام افطار، در حریم حرم یار پدیدار می‌گشت، به تصویر بکشم.

روضه نبوی از مشایخ بزرگی چون شیخ ابو محمد بکری، شیخ عبدالواحد جزولی و افراد برجسته‌ای چون آنها مملوّ می‌باشد.

در برابر چهره‌های نورانی و پر ابهت این مشایخ، احدی جرأت نمی‌کرد که از پیشاپیش آنها عبور کند.

جمعی از اشراف و سادات در قسمت میانی حرم صفی را به خود اختصاص می‌دادند که محاسن سفید، چهرهای درخشان و عمامه‌های براق آنها افراد میان سال را به تعظیم و تکریم و ا می‌داشت و اهل حال را به وجد و شور و شوق می‌آورد.

پشت سر آنها، اهالی بصره و جزیره در صفی، پس از آنها معتمدان و ریش سفیدان در صف دیگر، آنگاه مجاوران و فقیران در صفی، پشت سر آنها، ایرانیان و مراکشی‌ها در یک صف، در صف بعدی خادمان و فراشان حرم در زیر

قبه‌های شرقی قرار داشتند.

این چهره‌های نورانی، همگی اهل خیر و صلاح و از منزلت و مرتبت رفیعی برخوردار بودند.

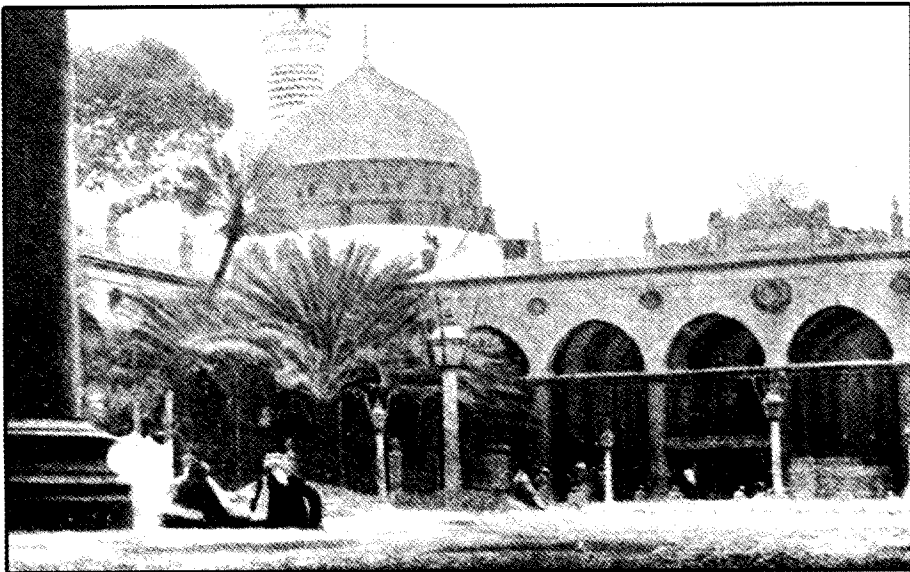
آنانکه در اطراف حُجره شریفه منتظر اذان و فرا رسیدن وقت افطار هستند، برخی سرِ فکرت در جیب حیرت فرو هشته، گروهی به دعا و مناجات با قاضی الحاجات همت گماشته، برخی با یکدنیا خضوع و خشوع به تلاوت قرآن می‌پردازند، گروهی نیز به دیدگان اشکبار به خواندن دلائل الخیرات^{۲۲} اشتغال داشته، سفره‌ها گسترده، افطاری‌هایی که از منازلشان ارسال می‌شود، در ظرفهای سرپوش دار، در جلوشان می‌نهند، تا

شلیک توپ افطار^{۲۳} به عبادت و اطاعت هم‌چنان ادامه می‌دهند.

افطاری‌ها عموماً از نان، پنیر، خرما، حلوا و امثال آنهاست. و لذا همگان افطار ساده‌ای تناول کرده، غرق دریای عبادت و اطاعت می‌شوند.

احتمالاً اختصاص یافتن افطاری‌ها در استانبول به نان، پنیر، مربا و امثال آنها، به پیروی از اهالی مدینه طیبه باشد.

در آستانه وقت افطار، منظره مسرت‌انگیز منتظران اذان، به قدری نورانی و روحانی است که اگر کسی به فضای مسجد شریف نبوی گوش جان بسپارد، صدای بال ملایک را خواهد شنید.



با شلیک توپ افطار صدای روح بخش اذان از فراز گلدسته‌ها در فضای مدینه طنین انداز می‌شود، صاحبان سفره از افرادی که در دو طرف او هستند، به ویژه از زائران و مسافران برای افطار دعوت می‌کنند. پس از افطار آنچه در سفره باقی‌ماند به مستمندان، به ویژه غریبان تقدیم می‌کنند، لحظاتی بعد فریضه مغرب اقامه می‌شود.

آنچه در بسیاری از ممالک اسلامی مرسوم شده، که افطار را به صورت ساده پیش از نماز مغرب و شام را بعد از نماز مغرب تناول کنند، احتمالاً از اهالی حرمین شریفین اتخاذ شده است. این شیوه که اول چیز ساده و مختصری تناول کرده، پس از مدتی سر سفره شام برونند، بسیار مطلوب و از نظر بهداشتی بسیار سودمند است؛ زیرا اگر

وقت افطار، منظره مسرت‌انگیز منتظران اذان، به قدری نورانی و روحانی است که اگر کسی به فضای مسجد شریف نبوی گوش جان بسپارد، صدای بال ملایک را خواهد شنید.

از قدیم مرسوم است که در ماه رمضان نماز مغرب را بعد از افطار اقامه می‌کنند، از این رهگذر، مؤذنها چند دقیقه‌ای اقامه را به تأخیر می‌اندازند تا سفره‌های افطار برچیده شود.

بعد از نماز مغرب هر یک از اهالی مدینه، یک یا دو نفر از زائران را با خود به منزل برده، پذیرایی می‌کنند و بعد از شام برای فریضه عشاء مسجد بر می‌گردند. بدین طریق، هر شب ۳۰۰ تا ۴۰۰ سفره افطار در مسجد النبی گسترده می‌شود.

شکم خالی یک مرتبه پر از غذا شود، معده در هضم غذا دچار مشکل می‌گردد.

نماز تراویح^{۲۴}

پس از ادای فریضه عشاء، افراد موجود در مسجد به ۴۰-۵۰ گروه تقسیم شده، برای هر گروهی مؤذن و امام جماعت ویژه تعیین می‌گردد. در جلو هر گروهی دو عدد شمعدان بزرگ و تعدادی فانوس نهاده می‌شود.

فانوس‌های هر گروهی به رنگی خاص است. هر گروهی به یک سو رفته،



گروهی با سوره‌های بلند، گروهی با سوره‌های کوتاه، پشت سر امام خود به ادای نماز تراویح می‌پردازند.^{۲۵}

و لذا گروهی مشغول اذان، گروهی مشغول قرائت، گروه دیگری مشغول ذکر و مناجات می‌باشند.

در مدت اقامه نماز تراویح، فضای مسجد آکنده از روحانیت و نورانیت خاصی می‌شود. هر گروهی به نوعی مشمول عنایات و فیض‌های ربانی قرار می‌گیرند.

آیین شمع افروزی

در شبهای معمولی، دو عدد شمعدان بزرگ طلا، که با موم عسل روشن می‌شوند، در فضای مسجد نصب شده، فضای مسجد را روشن نگه می‌دارند.

در شبهای ماه مبارک رمضان، ۸ شمعدان دیگر به آنها ضمیمه می‌شود. این شمعدانها پس از پایان یافتن نماز تراویح، طی مراسمی به دفتر مخصوصی که آن را «گنجینه شمع» می‌نامند، عودت داده می‌شود.

از دیرباز چنین مرسوم شده که برای شرکت در مراسم شمع افروزی، هشت

نفر از اعیان و اشراف مدینه، که از شخصیت و برجستگی خاصی برخوردار هستند، دعوت می‌شوند، تا این شمعدانها را پس از ادای تراویح به گنجینه شمع ببرند و به این وسیله در زمره خادمان افتخاری حرم قرار گرفته، مشمول عنایات حضرت ختمی مرتبت گردند.

رییس فراشان برای هر شب هشت نفر برگزیده، برای هر یک از آنها کارت مخصوصی صادر می‌کند و با ارسال این کارت‌ها، حضور آنها در مراسم شمع افروزی آن شب اعلام می‌شود.

پس از نماز تراویح، این گروه هشت نفری، با ارائه کارت، در داخل حجره شریفه حضور یافته، هر کدام یکی از شمعدانها را توتیای چشم خود نموده، به همراه خادمان حجره نبوی، با مراسم خاصی حرکت کرده، به دفتر مخصوص (گنجینه شمع) که در شمال مسجدالنبی قرار دارد، می‌رسانند و به مسئولان مربوط تحویل می‌دهند.

پروانگان بال سوخته گرداگرد شمع جمع آفرینش

به هنگام اجرای مراسم ویژه آیین شمع افروزی، شیخ و نایب حرم،

شِنلِ های خاص این آیین را، که شِنلی بلند، فراخ، بایقه‌های بلند و آویخته و آستینهای چاک‌دار است، می‌پوشند، شال مخصوصی به کمر می‌بندند، دو طرف آن را از دو طرف می‌آویزند، آنگاه اعیان و اشرافِ دعوت شده را، تا بیرون درِ شامی (در محاذات باب جبرئیل) همراهی نموده، در آنجا در صفی منظم منتظر می‌گزارند و خود به داخل حجره شریفه مشرف می‌شوند.

آوای روح افزای مناجات از گلدسته‌های حرم در کالبد مشتاقان، جان تازه دمیده، سقایان با صفا در میان صفها، با جام‌های پر جلا، عابدان تشنه‌کام را از آب زلال عین زرقا سیراب می‌کنند.

دو شمعدان زرین را خادمان ویژه حجره در دست گرفته، هشت شمعدان دیگر را، هشت تن از خادمان حرم حمل می‌کنند و آنها را تا درِ شامی همراهی نموده، با تعظیم، تکریم و تجلیل خاصی به افراد فرا خوانده شده تقدیم می‌کنند. هر یک از مدعوین، هر شب شمعدان مخصوص خود را که نشانه‌هایش در کارت دعوتشان قید شده،

تحویل می‌گیرند، در حالی که چون مردمک دیدگان‌شان از آن مراقبت می‌کنند، پشت سر یکدیگر در صفوفی فشرده، به سوی محراب روضه مطهر حرکت می‌کنند و در محاذات قبر شریف قرار می‌گیرند.

شمعدانهای ویژه حجره مبارکه در پیشاپیش، شمعدانهای روضه منوره در پشت سر، در حالی که خدام حرم در دو طرف آنها در حرکت هستند، با گامهای فشرده، از محراب مسجد در نقطه جنوب تا دفتر خاص شمعدانها در نقطه شمالی مسجد، طول مسجد شریف نبوی را با متانت ویژه‌ای می‌پیمایند.

در طول این حرکت، یکی از مؤذن‌های خوش الحان، در مواجهه حجره شریفه، با صوت حزین و لحن شیرین، ابیاتی در ستایش حضرت ختمی مرتبت می‌خواند که تا اعماق روح و جان ایجاد وجد و شعف می‌کند. در پایان برای مصالح جهان اسلام و امت اسلامی دست به نیایش برداشته، برای ترویج روح مؤمنان فاتحه نثار می‌کنند.

در طول این مراسم، کودکان و نوجوانان، در باغچه نخل^{۲۶} (قسمت خارج از روضه و غیر مسقف حرم) صف

کشیده، پروانگان عاشق و شیدای شمع جمع آفرینش را، در حال اجرای مراسم شمع افروزی، استقبال و تماشا می‌کنند.

به جهت حالت بسیار روحانی و نورانی این آیین، که حاضران اهل حال را به شور و شوق وا می‌دارد، همگان ترجیح می‌دهند که تا پایان این مراسم، همچون پروانگانی بال سوخته، در گرداگرد شمعهای بر افروخته و شمعدانهای فروزان، در کوی یار و در حریم جانان، آنها را همراهی کنند.

پس از تسلیم شمعدانها به دفتر مشهور به «گنجینه شمع»، متفرق شده به سوی خانه و کاشانه خود می‌روند.

نسیم سحر در بزم سحرخیزان

بیدار دلان سحر خیز، پس از تناول سحری، از چهار گوشه مدینه منوره به سوی روضه مطهر شرفیاب می‌شوند و در حریم یار، به عبادت و اطاعت می‌پردازند.

این عاشقان عبادت پیشه، از یک ساعت و نیم پیش از طلوع فجر، در روضه مطهر گرد آمده، هریک شمعی برای خود بر می‌افروزد و در پر تو آن، به تلاوت قرآن، قرائت دعا و اذکار از

دلایل الخیرات، نثار صلوات و تحیات بر اشرف کاینات، نیایش و مناجات با قاضی الحاجات، می‌پردازد. نغمه‌های جان فرای قاریان و ناله‌های جانگداز ذاکران، در فضای روضه مطهر طنین انداخته، نسیم معطر حجره منوره، عاشقان سحر خیز را عطر آگین نموده، شیفتگان دلباخته را مدهوش می‌سازد.

در این میان، آوای روح افزای مناجات از گلدسته‌های حرم در کالبد مشتاقان، جان تازه دمیده، سقایان با صفا در میان صفها، با جام‌های پر جلا، عابدان تشنه کام را از آب زلال عین زرقا سیراب می‌کنند.

در این لحظات معنوی، که شور و شوق شب زنده‌داران به اوج می‌رسد، جذبه‌ها و کشش‌های روحانی، عبادت پیشگان را تا قلعه شرف بندگی بالا برده، در کش و قوس این جذبه و ناز، یک مرتبه امواج سهمگین سحر، چون تیری خون آلود سینه سیاه افق را می‌شکافد و دروازه سحر باز می‌شود؛ روزی خجسته، صبحی مبارک!

بانک تکبیر و آوای عظمت خدا، در فضای شهر اوج می‌گیرد. نغمه روح بخش شهادت به رسالت حضرت ختمی

مرتب، در فضای روضه منوره گوش جان را نوازش می‌دهد، صدای با صلابت صلوات بر اشرف کاینات از عاکفان حرم با حلاوت‌تر از هر صدایی در جهان، در حریم حرم می‌پیچد. صفها آراسته، دلها از هر غلّ و غشی پیراسته، فریضة صبح در پشت سر امام شافعی ادا شده، واعظان سخن سرای تا فرا رسیدن وقت حنفیان به وعظ و ارشاد حاضران، تبلیغ و ترویج دین مبین می‌پردازند.^{۲۷}

نماز عید در حریم حرم

یک ماه تمام توفیق عبادت و اطاعت، تلاوت قرآن، شب‌زنده داری و انجام فریضة صیام در ماه مبارک رمضان سپری می‌شود. در پگاه عید سعید فطر، همه اهالی؛ از عالی و دانی، برای شرکت در نماز عید، از چهار گوشه مدینه منوره، در دیار یار حضور یافته، نماز عید می‌گزارند. خطبه‌های نماز را با گوش جان استماع کرده، برای توفیق این عبادت دست نیایش به سوی خداوند

منان برمی‌دارند و برای قبولی طاعات به رسول گرامی توسّل جسته، پیشانی ادب بر عتبه حجره شریفه می‌سایند. هرکس در حدّ توان و قدرت بیان خود، عرایضی به پیشگاه پیامبر ﷺ تقدیم نموده، خواسته‌های قلبی‌اش را به محضر انور نبی مکرم عرضه می‌دارد.

از قدیم الأیام در شهر مدینه مرسوم است که عید سعید فطر را سه شبانه‌روز جشن می‌گیرند. در این سه روز، در اوقات نماز توپ شلیک شده، حال و هوای جشن و سرور در سیمای همگان مشاهده می‌شود و هر فردی در کوچه و برزن، با هر فرد دیگری که مصادف می‌شود، دستش را می‌بوسد و مشمول دعای خیرش می‌گردد.

در مدینه منوره، دست‌بوسی به اعیاد منحصر نیست، بلکه به دنبال هر نماز، هر فردی؛ از غنی و فقیر، دست کسانی را که در کنارش نشسته‌اند، می‌بوسد.

۱. تنها اثر چاپ شده مؤلف به فارسی، کتاب «تاریخ و هابیان» است، که از سوی نشر طوفان در تهران به چاپ رسیده، سپس به عربی برگردان شده، و با عنوان «تاریخ الوهابیین»، توسط انتشارات هدف قاهره منتشر شده است.
۲. مرآت مدینه، دوّمین مجلد از مجموعه پنج جلدی، «مرآت الحرمین» است، که به سال ۱۳۰۴ هـ در استانبول به چاپ رسیده است
۳. در ایام تألیف کتاب، اگرچه نظام وهابی در منطقه حاکمیت داشت، ولی هنوز اعتقادات مردم سالم و تبرک جویی از آثار پیامبر ﷺ در فرهنگ عامه محفوظ مانده بود. در مورد جواز تبرک از دیدگاه قرآن، سنت و سیره صحابه، نک: «تبرک الصحابه بآثار الرسول».
۴. این نوع صفا و اخلاص، بسیار ارزشمند است، ولی ما وظیفه داریم در کنار توسّلات، به پزشک نیز مراجعه کنیم.
۵. طلب شفاعت از انبیا و اولیا، ریشه قرآنی دارد، ولی باید شفاعت کننده و شفاعت شونده به اذن پروردگار باشد (یونس: ۳؛ سبأ: ۲۳) شیخ مفید بر ثبوت شفاعت بر پیامبران و معصومان، ادعای اجماع کرده (اوائل المقالات، ص ۱۵) نسفی نیز احادیث شفاعت را مستفیض دانسته است (العقائد النسفیّه، ص ۱۴۸) قاضی ایاض نیز آن را صریح آیات، اخبار و مذهب اهل سنت دانسته است، (شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۵) محمدبن عبدالوهاب (بنیانگذار وهابیت) نیز شفاعت پیامبر گرامی، پیامبران، فرشتگان و اولیاءالله را بر اساس روایات وارده ثابت دانسته است (الهدیه السنیّه، ص ۴۲). برای دفع شبهات وهابیان مراجعه شود به کتاب ارزشمند: کشف الارتیاب، از سید محسن امین، صص ۱۹۲، ۲۱۴
۶. این شیوه، یاد آور حدیث شریف رسول گرامی ﷺ است که می فرماید: «نخستین نشانه عدالت در آخرت، قبرها است که در آنها میان ثروتمند و مستمند هیچ فرقی دیده نمی شود» (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۸۳).
۷. این سور به سال ۵۴۰ هـ. توسط جمال الدین محمد بن ابی منصور اصفهانی، وزیر آل زنگی کشیده شد. (وفاء الوفا، ج ۲، ص ۷۶۷).
۸. با توسعه مسجدالنبی و برداشته شدن کوچه بنی هاشم و خیابان ابوذر، از باب الجمعة نشانی نمانده است. محل باب الجمعة در آن ایام «حازه» نامیده می شد و تقریباً با در فعلی بقیع قابل انطباق می باشد.
۹. از صدر اسلام تا ۸۰ سال پیش بر فراز قبور مقدس خاندان عصمت و طهارت گنبد و بارگاه بود، که در روز هشتم شوال ۱۳۴۴ هـ. با خاک یکسان گردید. این بقعه‌ها عبارت بودند از: (۱) چهار تن از

امامان معصوم علیهم السلام (۲) فرزندان پیامبر (۳) همسران پیامبر (۴) عمه‌های پیامبر (۵) ابراهیم فرزند پیامبر (۶) فاطمه بنت اسد (۷) عقیل و عبدالله بن جعفر (۸) اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام (۹) ام البنین (۱۰) حلیمه سعیدیه (۱۱) بیت‌الاحزان، در نزدیکی قبور ائمه (در سمت بالای سر آنها). (وفاء الوفا، ج ۳، ص ۶۱۶ تا ص ۹۲۰؛ البقیع الغرقد، ص ۴۴).

۱۰. سمهودی تعداد آنها را ۱۰۰۰۰ نفر نوشته است. (وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۶).

۱۱. لفظ «قصیه» واژه‌ای محلی است. در دیگر بلاد عربی رایج نیست و در کتب لغت پیدا نشد. با توجه به ترک تبار بودن مؤلف، در کتابهای لغت ترکی نیز جستجو به عمل آمد و یافت نشد. احتمالاً منظور از قصیه چیزی شبیه لحد‌های مرسوم فعلی در قبرستان وادی السلام نجف اشرف می‌باشد، ولی به هنگام جستجوی لفظ «قصیه» واژه مشابهی یافتیم به عنوان «فِصْقِیَه»، و آن ساختمان مسقفی بوده به طول ۵۰ و پهنای ۲۰ متر، در سمت غربی بقیع، که مخصوص دفن سادات، اشراف و امرای شیعه بوده است. خاندانهای معروفی چون «آل مُهَنَّا» در آنجا به خاک سپرده شده بودند، که در عهد وهابیان همه تخریب و با خاک یکسان گردید. (اهل الدار والایمان، ص ۴۸). آل مهنا از تبار سید مهنا بن سنان، قاضی معروف مدینه در قرن هشتم، صاحب «المسائل المهنائیة» و مجاز از سوی علامه حلی و پسرش فخر المحققین می‌باشند. (الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۳۶۸؛ الحقایق الراهنه، ص ۲۲۳).

۱۲. تعبیر «رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ» را در مورد بقیع پیدا نکردیم، ولی در مورد برخی از قبور بقیع به کثرت آمده است. در یک حدیث طولانی، رسول الله صلی الله علیه و آله از شرکت فرشتگان در تشییع فاطمه بنت اسد، مادر امیرمؤمنان علیه السلام سخن گفته، در پایان می‌فرماید: «و قبر او باغی از باغهای بهشت است». «روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۷۱).

۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس در یکی از دو حرم، مکه یا مدینه وفات کند، پای حساب برده نمی‌شود، مهاجر الی الله نوشته می‌شود و در روز رستاخیز با اصحاب بدر محشور می‌گردد.» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۸۷).

۱۴. رسول گرامی روزی در بقیع خطاب به «امّ قیس» فرمود: «از این قبرها ۷۰۰۰۰ نفر محشور می‌شوند که بدون حساب وارد بهشت می‌گردند، چهره‌هایشان مانند ماه شب چهارده می‌درخشد.» (تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۹۲). و در حدیث دیگری فرمود: «هرکس در این قبرستان به خاک سپرده شود، ما برای او شفاعت می‌کنیم.» (همان، ص ۹۷).

احادیث فراوانی در باره حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بقیع و استغفارش بر اهل بقیع آمده است. ابن شُبّه، دهها مورد از آنها را در تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۸۶ تا ۹۷ آورده است.

۱۵. مشروعیت زیارت اهل قبور از مسلمات شرع می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره به زیارت اهل قبور در بقیع و أخذ می‌رفت (مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۱). قبر مادرش را به همراه ۱۰۰۰ تن از یاران زیارت نمود و اشک فراوان ریخت (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۶۶). اما در مورد زنان، مسلماً جایز و مشروع است؛ چنانکه حضرت زهرا به زیارت قبر جناب حمزه سید الشهداء می‌رفت، (المصنف

عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۲). عایشه نیز می‌رفت (همان، ص ۵۷۰). و به صراحت می‌گفت که رسول خدا به او اجازه داده است (سنن بیهقی، ج ۴، ص ۱۳۱). در این رابطه به کتاب ارزشمند «شفاء السقام» از امام تقی‌الدین سبکی مراجعه فرمایید که شبهات و هائیان را به بهترین شکل پاسخ داده است.

۱۶. فسلکن، گلی مانند «گلابول» می‌باشد، جز اینکه بسیار معطر است. فسلکن سفید، هندی و ژاپنی از شهرت بیشتری برخوردار می‌باشند. (قاموس ترکی، سامی افندی، ص ۹۹۶).

۱۷. گل باران کردن جنازه در گذشته رواج داشته است. از گل باران شدن جنازه حضرت معصومه و امام رضا علیه السلام توسط شیعیان قم و خراسان داستانشان نقل می‌شود. بر جنازه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آنقدر شاخه گل نثار کردند که آنجا بعدها به «سوق الریاحین» (بازارگله) شهرت یافت (حیة الامام موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۵۲۸). ولی آنچه امروز مرسوم شده، تاج گل به قیمتهای گزاف برای مراسم تشییع و ترحیم تهیه می‌کنند که این از مصادیق اسراف می‌باشد. بهتر است وجه آن را به مراکز خیریه داده، تابلو مرکز را به مراسم ببرند.

۱۸. مؤلف این اشعار را از کتاب «فتوح الحرمین» نقل کرده، و آن مناسک منظوم محی‌الدین عربی به فارسی می‌باشد. (کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۱۲۴۰).

۱۹. عین الزرقا، همان «عین ازرق» است که از چشمه بزرگی در غرب مسجد قبا، در میان نخلستان نشأت می‌گیرد، تا مصلی جریان پیدا می‌کند. در مصلی قبه بزرگی بر بالای آن هست، در آنجا به دو قسمت تقسیم شده، قسمی به سوی شمال و قسم دیگری به سوی قبله روان می‌باشد. این چشمه «عین ازرق» نام دارد و در میان مردم به «عین زرقا» مشهور است. (وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۸۵). علت نام‌گذاری آن به «ازرق» و «زرقا»، این است که آن را مروان بن حکم در ایام والی بودنش از قبا تا مدینه کشیده و چون او زاغ چشم بود، به این نام مشهور شد. (همان، ص ۹۸۷).

۲۰. در گذشته که وسایل امروزی نبود، مخزن‌هایی در جاهای بادگیر نصب می‌شد و آب در آن مخزن‌ها در اثر وزش باد خنک می‌شد. این مکان‌ها را مشربه می‌نامیدند و مشربه ام‌ابراهیم یکی از این موارد بود.

۲۱. شیخ ابوالحسن محمد، جد مادری شیخ محمد کازرونی است.

۲۲. دلائل الخیرات، تألیف: محمد بن سلیمان جزولی، متوفای ۸۵۴ هـ. رایج‌ترین کتاب در ذکر صلوات بر اشرف کاینات بود، که در شرق و غرب عالم رواج تام داشت، تا از طرف و هائیان ممنوع شده، نسخه‌های آن گرد آوری و طعمه حریق گردید.

۲۳. تا این اواخر، در همه کشورهای اسلامی، برای آگاهی مردم از وقت افطار و سحری، در شامگاهان و سحرگاهان توپ شلیک می‌کردند.

۲۴. نماز تراویح عبارت است از خواندن نمازهای مستحبی شبهای ماه رمضان با جماعت، که به اجماع فقهای شیعه حرام است و داستان آغاز آن، این است که در یکی از شبهای ماه رمضان عمر به مسجد رفت و دید مردم به صورت پراکنده مشغول عبادت هستند، به ابی‌بن کعب دستور داد که



امامت کند و نمازهای مستحبی را با جماعت به جا آورد. شب بعد که به مسجد رفت و دید در صفهای منظم مشغول نماز هستند، شادمان شد و گفت: «نعمت البدعة! وه، چه بدعت خوبی شد!» (صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۲، الموطأ، ص ۷۳؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۴۰۸).

بعد از عثمان، هنگامی که با امیر مؤمنان علیه السلام بیعت شد، آن حضرت دستور داد اعلام کنند که خواندن نماز مستحبی با جماعت ممنوع است. عده‌ای در خیابانها به راه پیمایی پرداخته، شعار: «واعمراه» سردادند، از ترس فتنه و شورش فرمود: بگویند هر کس می‌خواهد بخواند. (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶).

۲۵. تراویح، جمع «ترویحه»، به معنای استراحت است. نماز تراویح را از این جهت «تراویح» می‌نامند، که بعد از هر چهار رکعت، مدتی فاصله داده، استراحت می‌کنند. (لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۰).

۲۶. در حدود سی سال پیش از این که نگارنده توفیق تشریف به حرمین شریفین را داشت، در قسمت غیر مسقف حرم، در محاذات حجره شریف، تعدادی نخل موجود بود، از این رو آن قسمت را باغچه نخل تعبیر می‌کردند.

۲۷. همه مذاهب اسلامی، اتفاق نظر دارند که وقت نماز صبح از اول طلوع فجر آغاز می‌شود، ولی ابو حنیفه گفته است: بهتر است که نماز صبح را تا روشن شدن هوا تأخیر بیندازند (بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۹۷) و لذا حنفیان حدود ۲۰ دقیقه بعد از اذان صبح به ادای نماز صبح می‌پردازند.

